

## رابطه سرمایه اجتماعی و مدیریت شهری

احمد ملکان<sup>۱</sup> - جواد ملکان<sup>۲</sup>

### مقدمه

سابقه مدیریت شهری به پیدایش شهر و ضرورت تدوین اصول، مقررات و قوانین زیستن انسانها در کالبد زیستی، روانی و اجتماعی باز می گردد (کردی، ۱۳۸۵، ۲۲). که هدف آن ارتقای شرایط کار و زندگی جمعیت ساکن در قالب اقشار و گروههای مختلف اجتماعی، اجتماعی، حفاظت از حقوق شهروندان و تشویق به توسعه اقتصادی اجتماعی پایدار است (تقوایی و همکاران، ۱۳۸۸، ۲۱)، همین اهداف موجب شده است که در کنار سرمایه های انسانی، مالی، اقتصادی، سرمایه دیگری به نام سرمایه اجتماعی برای پیشبرد بهتر امور مورد بهره برداری قرار گیرد که به پیوندها، ارتباطات میان اعضای شبکه به عنوان منبع با ارزش اشاره دارد که با خلق هنجارها و اعتماد متقابل موجب تحقق اهداف اعضای یک مجموعه می شود. در کشورهای در حال توسعه با توجه به پیچیدگی مسائل و استفاده از نظریه های از پیش تعیین شده ممکن است به نادیده گرفتن عوامل مهم اجتماعی منجر شود در نتیجه به نظر می رسد در این شرایط استفاده از روشهای ژرف نگر در نتیجه تقویت روابط و کنشهای اجتماعی، اعتماد متقابل و مشارکت که از متغیرهای سرمایه اجتماعی است، اثر بخشی بیشتری خواهد داشت (فیض آبادی، ۱۳۸۸، ۱). امروزه صاحب نظران حوزه برنامه ریزی و مدیریت شهری بر تمرکززدایی و اداره مشارکتی شهرها تاکید ویژه دارند و معتقدند که آرایش نهادهای رسمی تاثیر اندکی بر آنچه در شهر اتفاق می افتد دارند و در حقیقت عامل تداوم شهرها، یک دسته آرایشهای غیر رسمی همکاریهایی است که در طول زمان رخ می دهد (لطیفی و عظیمی، ۱۳۸۹، ۲). این صاحب نظران معتقدند رابطه شهر و شهروندان دوسویه می باشد و مشارکت شهروندان در تصمیم گیری ها، برنامه ریزی ها و کلیه فعالیتها و امور شهری مورد توجه برنامه ریزان و کارشناسان توسعه اجتماعی است، چرا

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه تهران  
۲- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تربیت معلم تهران

که بر این اعتقادند که رفاه و آسایش شهروندان هدف اصلی مدیریت شهری می باشد و زمانی که شهروندان در مدیریت مشارکت داشته باشند نیازها بهتر شناخته و بهینه تر برآورده می شوند (تقوایی و همکاران، ۱۳۸۸، ۲۱). بنابراین می توان گفت مدیریت شهری برای رفع مشکلات و دستیابی به اهداف چاره ای جز مشارکت گسترده ندارد. از این رو لازم است ملازمات سیاسی و حقوقی مربوط مشارکت گسترده همگان فراهم شود. تمرکز زدایی یکی از سازوکارهای زمینه ساز برای مشارکت است که گرچه مستقیماً به زدودن فقر منجر نمی شود، لیکن موجب تحرک، مسئولیت پذیری و هم افزایی بیشتر برای تصمیم و اجرای برتر می شود (سازمان اجرایی شهرداریها، ۱۳۸۲، ۳۹).

### مفاهیم

#### سرمایه اجتماعی:

مفهوم سرمایه اجتماعی را نخستین بار جیمز کلنن در دهه ۱۹۸۰م مطرح ساخت. سپس جامعه شناسانی نظیر فوکویاما (۱۹۹۶م) و گیدنز (۱۹۹۰م)، آن را بسط دادند. نتیجه حاصل شده این بود که از اواسط دهه ۱۹۹۰م، سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از مولفه های اصلی پارادایم جدید توسعه مورد توجه قرار گرفت (دانشنامه مدیریت شهری، ۱۳۸۸، ۱۴۸).

ایده محوری سرمایه اجتماعی را می توان در واژه روابط خلاصه کرد. اعضای جامعه با برقراری تماس با یکدیگر و پایدار ساختن آنها قادر به همکاری با یکدیگر می باشند و به این طریق چیزهایی را کسب می کنند که به تنهایی قادر به کسب آنها نمی باشند (غفاری و رضانی، ۱۳۸۸، ۷). مثال مجسم صحت این گفته را می توان در جامعه زراعی مشاهده کرد که در آن مردم یکدیگر را یاری می دهند، اسباب و ابزار به یکدیگر قرض می دهند و در نتیجه موفق تر از جامعه دیگرند که مردمانش یکدیگر را با سوءظن می نگرند و هر کس اهداف فردی خودش را دنبال می کند (تاجبخش، ۱۳۸۹، ۶۳۷).

در ادبیات معاصر توسعه برای حرکت از وضع موجود به مطلوب علاوه بر سرمایه فیزیکی، انسانی، اقتصادی سرمایه دیگری به نام سرمایه اجتماعی به عنوان یک دارایی جمعی ناپیدا مطرح شده است. برای نمونه، امروزه گفته می شود که ۷۰ درصد دانشی که در محیط های کاری اندوخته می شود توسط رابطه غیر رسمی منتقل می شود. پس نوعی تحول در پارادایم های توسعه رخ داده است، این تحول در سه بعد روش شناختی، هستی شناختی و معرفت شناختی نسبت به محرک های توسعه ایجاد شده است. سرمایه اجتماعی به ویژگیهای سازمان اجتماعی از قبیل شبکه ها، هنجارها و اعتماد اشاره

درد که هماهنگی و همکاری برای کسب سود متقابل را تسهیل می کند و با خلق هنجارهای مشترک و اعتماد متقابل موجب تحقق اهداف و پیشبرد امور می گردد (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۹، ۶). این سرمایه سیمان انسجام بخش میان سطوح گوناگون (انسانها با همدیگر، سازمانها و انسانها، سازمانها با سازمانها و حتی در سطح بین المللی) تلقی می شود. با فقدان سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه ها اثر بخشی خود را از دست داده و پیمودن راه های توسعه اگر غیر ممکن نباشد، دستکم بسیار دشوار است. سرمایه اجتماعی بر خلاف دیگر سرمایه ها دارای شخصی هیچ یک از افرادی که از آن سود می برند نیست (صبوری، ۱۳۷۷، ۴۸۲). و در شکل گیری روابط بین افراد و گروهها خود را نشان می دهد. هرچند ممکن است خصوصیات فردی از قبیل صداقت به وجود سرمایه اجتماعی کمک کند، اما تا زمانی که روابطی بین افراد و گروهها به وجود نیاید، سرمایه اجتماعی معنا و تحقق پیدا نم یکنند. در دیدگاههای سنتی اقتصاد توسعه، سرمایه اقتصادی، فیزیکی و نیروی انسانی مهمترین عوامل معرفی می شوند، اما در عصر حاضر برای توسعه بیشتر از سرمایه مورد تاکید اقتصاد کلاسیک به سرمایه اجتماعی نیاز است، زیرا سرمایه اجتماعی سود سرمایه گذاری در زمینه های سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی را افزایش می دهد و استفاده از آنها را بهینه می کند (Putnam، 1958، 96). در شرایط ضعف سرمایه اجتماعی سایر سرمایه ها نیز به هدر می روند. از این رو موضوع سرمایه اجتماعی به عنوان یک اصل محوری برای دستیابی به توسعه محسوب می شود. در اندازه گیری سرمایه اجتماعی به سه جنبه اعتماد بین افراد، گستردگی روابط پایدار و وجود هنجارهای مشترک توجه میشود، چون سرمایه اجتماعی حاصل انباشت منابع بالقوه یا بالفعلی است که مربوط به مالکیت یک شبکه بادوام از روابط کم و بیش نهادینه شده در بین افرادی است که با عضویت در یک گروه ایجاد می شود. بنابراین، سرمایه اجتماعی در روابط میان افراد تجسم می یابد، یعنی سرمایه اجتماعی زمانی به وجود می آید که روابط میان افراد به شیوه های دگرگون شود که کنشها را تسهیل بخشد. متغیرهای عمده برای سنجش سرمایه اجتماعی عبارتند از: نخست، شاخص اعتماد اجتماعی (بین فردی و سازمانی و بین دولت-ملت)، دوم، میزان مشارکت در تشکلهای، انجمنها و فعالیتهای داوطلبانه اجتماعی، سوم، کاهش شاخصهای منفی مانند میزان جرم، طلاق، خودکشی، چکهای برگشتی و نظایر آن، چهارم، وسعت و عمق روابط اجتماعی (نقدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۷۹).

تعاریف متعددی از سرمایه اجتماعی ارائه شده است که در اینجا به چند مورد آن اشاره می کنیم: بوردیو: نخستین

سرمایه را به عنوان یک پدیده جامعه شناختی مورد توجه قرار می دهد. به نظر او، سرمایه اجتماعی با شعاع اعتماد ارتباط تنگاتنگی دارد، و آن را یک توانایی می داند که در نتیجه گسترش اعتماد در جامعه یا در برخی از بخشهای آن به وجود می آید (Fukuyama، 1995، 26). هرچه شعاع اعتماد در یک گروه اجتماعی گسترده تر باشد، سرمایه اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود و به تبع آن میزان همکاری و اعتماد متقابل اعضای گروه نیز افزایش خواهد یافت. فوکویاما منابع ایجادکننده سرمایه اجتماعی را این گونه فهرست می کند: ۱- هنجارهایی که به لحاظ نهادی

تحلیل منظم از سرمایه اجتماعی بوسیله بورديو صورت پذیرفته است این تحلیل از قویترین تحلیل هایی است که مفهوم سرمایه اجتماعی را در گفتمان جامعه شناسی معاصر وارد کرده است. سرمایه اجتماعی از نظر بورديو عبارت است از مجموعه ای از منابع بالفعل یا بالقوه است که مالکیت یک شبکه بادوام از روابط کم و بیش نهادینه شده از آشنایی و شناخت متقابل و دو جانبه، پیوند یافته است بنابراین افکار بورديو راجع به سرمایه اجتماعی تعبیری است که برای تاکیدش بر تضاد طبقاتی روابط اجتماعی برای افزایش توانایی کنشگر برای پیشبرد منافعش، به کار

## سرمایه اجتماعی مجموعه هنجارهای موجود در نظام اجتماعی است که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه گردیده و موجب پایین آمدن سطح هزینه های تبادلات و ارتباطات می گردد

ساخته شده اند و منتج از نهادهای رسمی مانند دولت هستند. ۲- هنجارهایی که خودجوش بوده و برخاسته از کنشهای متقابل اعضای یک جامعه است. ۳- هنجارهایی که از طبیعت ریشه گرفته اند مانند خانواده، نژاد و قومیت (نقدی و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۸۱).

پاتنام: رابرت پاتنام پس از انتشار مطالعه برجسته خود تحت عنوان بولینگ به تنهایی تبدیل به شناخته شده ترین چهره سرمایه اجتماعی گردید. پاتنام پیشتر علاقه مند بود که چگونه سرمایه اجتماعی در سطوح منطقه ای عمل می کند تا ایجاد نهادهای دموکراتیک و توسعه اقتصادی را موجب شود و دیدگاهی را ارائه می دهد که در آن نگرشها و هنجارهایی مانند اعتماد و روابط متقابل به طور برون زاد به همراه شبکه های اجتماعی به وجود می آیند و به مثابه عواملی که یک جامعه را قادر می کند به کنش جمعی پردازد، عمل می کنند (ماجدی و لهسایی زاده، ۱۳۸۵، ۶) و خود او در این مورد می گوید: منظور از سرمایه اجتماعی ویژگی هایی از سازمان اجتماعی از جمله اعتماد، شبکه ها و هنجارها است که به مشارکت کنندگان کمک می کند تا اهداف مشترک خود را دنبال کنند (Putnam، 1996، 56). به طور کلی مفهوم سرمایه اجتماعی در بردارنده مفاهیمی چون اعتماد، همکاری و روابط متقابل بین اعضای یک گروه است، به شیوه ای که گروه را به سمت دستیابی به هدفی که بر مبنای ارزشها و

برده است و منبعی برای کنش اجتماعی است (زاهدی و همکاران، ۱۳۸۸، ۹).

کلمن نیز به کارکردهای سرمایه اجتماعی توجه دارد. به نظر او، سرمایه اجتماعی بخشی از ساختار اجتماعی است که به کنشگر اجازه می دهد تا با استفاده از آن به منابع خود دست یابد. این بعد از ساختار اجتماعی شامل تکالیف و انتظارات، مجاری اطلاع رسانی، هنجارها و ضمانت اجرایی است که انواع خاصی از رفتار را تشویق کرده یا منع می کند. سرمایه اجتماعی ذات واحدی نیست بلکه مجموعه ای از ذاتهای گوناگون است و آن را یک کالای عمومی می داند که به هیچ کس و هیچ چیز تعلق ندارد (Coleman، 1988)، که دو عنصر مشترک دارند: اولاً همه آنها مشتمل بر جنبه ای از ساختارهای اجتماعی اند، ثانیاً برخی کنشهای خاص کنشگران- اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی را- در داخل ساختار تسهیل می کند (تاجبخش، ۱۳۸۹، ۴۹). از نظر کلمن سرمایه اجتماعی می تواند به سه شکل ظاهر شود:

**اول:** تکالیف و انتظاراتی که بستگی به میزان قابلیت اعتماد به محیط اجتماعی دارد. **دوم:** ظرفیت اطلاعات برای انتقال و حرکت در ساختار اجتماعی که بتواند پایه ای برای کنش فراهم سازد. **سوم:** هنجارهای که توأم با ضمانت اجرایی باشد.

فوکویاما از دیگر نظریه پردازان سرمایه اجتماعی، این نوع

- معیارهای رایج در جامعه مثبت تلقی می شوند، هدایت کند که از ۳ جز ترکیب شده است:
- ۱- آگاهی، یا داشتن دانش نسبت به مسائل اجتماعی (نوعی منش شناختی). این نوع آگاهی موجب علاقه مندی و دل نگرانی می شود.
  - ۲- اعتماد به امنیت خود و نسبت به سایر نهادهای اجتماعی (نوعی منش هنجاری که مستلزم مقابله به مثل و رفتار غیر خودخواهانه است).
  - ۳- مشارکت، در شبکه های رسمی و غیر رسمی یا در انجمن های مدنی که بر اساس فعالیت داوطلبانه افراد عمل می کند (دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، ۱۳۸۸، ۱۴۹).

### مدیریت شهری:

مدیریت شهری در اواخر دهه ۱۹۸۰م در کشورهای توسعه مطرح شد. تعاریف متعددی از مدیریت شهری ارائه شده است و هرکدام از این تعاریف بیان کننده نگرشی نظام مند به مقوله مدیریت شهری است. مدیریت شهری عبارت است از اداره امور شهر به منظور ارتقاء مدیریت پایدار مناطق شهری در سطح محلی با در نظر داشتن و تبعیت از اهداف سیاست های ملی، اقتصادی و اجتماعی کشور به منظور کنترل و هدایت همه جانبه و پایدار شهر مربوطه است (داداش پور، ۱۳۸۰، ۸۶). استرن مفهوم مدیریت شهری را مفهومی چند وجهی بشمار می آورد که تعریف پذیر نیست. آنچه اهمیت دارد این است که او مدیریت شهری را مفهومی هماهنگ و یکپارچه بشمار می آورد. که این خود مستلزم توجه به نحوه و ضرورت گذار از برنامه ریزی کالبدی به مدیریت شهری است. این مسئله را نباید از نظر دور داشت که مدیریت شهری نوعی رویکرد هماهنگ و یکپارچه را نسبت به مسائل شهری در کشورهای در حال توسعه ضروری می سازد (دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، جلد سوم، ۱۳۸۸، ۱۳۳).

### رابطه سرمایه اجتماعی و مدیریت شهری:

- در مباحث جدید، دولت ها، سازمان ها و بنگاه های غیر دولتی هیچ یک به تنهایی نمی توانند هدایت و رهبری توسعه گسترده و پایدار را به دست بگیرند (گروسی و نقوی، ۱۳۸۰، ۶). سرمایه اجتماعی به عنوان مشخصه ای است که توانایی سازماندهی جمعی، مشارکتی و داوطلبانه برای حل مشکلات گروهی یا عمومی را به حداکثر می رساند. در صورتی که سرمایه اجتماعی یعنی توانایی استفاده جمعی توأم با همکاری از منابع برای اهداف عمومی وجود نداشته باشد بعید است که فقط سرمایه مالی و نیروی انسانی بتواند نتایج همچون رشد اقتصادی را به دنبال داشته باشد. در واقع شبکه های واقعی روابط اجتماعی یکی از اجزای جدایی ناپذیر سرمایه اجتماعی تلقی می شود و هرچه این شبکه ها در جامعه متراکم تر باشند، احتمال همکاری شهروندان در جهت تامین منافع متقابل بیشتر می شود (گروسی و نقوی، ۱۳۸۰، ۸). در واقع مدیریت شهری به عنوان یک رویکرد نوین در حل معضلات و مشکلات به وجود آمده در جامعه نقش مهمی به عنوان یک حکومت محلی در عرصه زندگی شهری ایفا می نماید و شوراهای شهر به عنوان یکی از نمود های مشارکتی سرمایه اجتماعی نقش مهمی در اداره شهرها در سطح محلی بر عهده دارد.

- عضویت در گروه های اجتماعی: عضویت در نهادهای مدنی را می توان به عنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی دانست. نهادهای مدنی نظیر انجمن های صنفی، حرفه ای، شوراهای شهری و محلی که ساماندهی افراد در نهادهای مدنی موجب شکل گیری فرهنگ های صنفی و حرفه ای خاص در این نهادها شده و ضمن ایجاد سطوح بالاتری از مشارکت، سبب تعلق اجتماعی می شود و به طور غیر مستقیم کنترل رفتارها، تعاملات اجتماعی و اقتصادی وابسته به هنجارها ی موجود می شود و هزینه های بسیاری از کنترل های غیر رسمی را کاهش می دهد (علوی، ۱۳۸۰، ۳۷). همچنین ایجاد این نهادها یکی از راه حل های ساختاری برای افزایش سرمایه اجتماعی است، چرا که افراد در رقابت نهادها به هویت مشترک دست می یابند و همین زمینه را برای همکاری های گروهی برای حل مشکلات، فراهم می کند و به دنبال آن شبکه های اعتماد را به وجود می آورد که موجب فعالیت افراد با تعهد بیشتر می شود که در صورت هدایت مناسب موجب کاهش هزینه های نظارت و سرپرستی رسمی در سازمان ها می شود (علوی، ۱۳۸۰، ۳۹).

- شبکه های اجتماعی، هنجارهای قوی معامله متقابل را تقویت می کند. این هنجارها، شبکه های ارتباطی



که به حسن شهرت و وفای به عهد و پذیرش هنجارهای رفتار جامعه محلی متکی است را تقویت میکند و این شبکه‌ها ارتباطات را تسهیل می‌کند و به دنبال آن کیفیت فعالیت‌ها را ارتقاء می‌بخشد و به پایداری می‌رساند (لطیفی و عظیمی، ۱۳۸۹، ۱۱۳).

- مدیریت نظارت همگانی که از زیر مجموعه‌های ساختار مدیریت شهری است، با محتوا و اهداف خاصی در سطوح مختلف سرمایه اجتماعی را تقویت می‌کند، این مراکز با توجه به تعاملات متقابلی که با تمام شهروندان دارد، با توجه به عملکردهایش یک نوع دارایی اجتماعی برای مدیریت شهری محسوب می‌گردد که می‌توان آن را به صورت بالفعل درآورد. بر این اساس وجود منابع مولد و ذخیره‌سازی چون آرمان‌های مشترک، انسجام اجتماعی بالا شهروندان، انگیزه‌های قوی برای پیشرفت شهری، برخورداری از امکانات رفاهی و آسایش در شهر را فراهم می‌کند. از بعد کارکرد گرایانه نیز سرمایه اجتماعی در توسعه فرهنگ نظارت همگانی موجب تقویت روابط دوجانبه و تعاملات شهروندان با نهادهای جامعه مدنی می‌گردد (شربتیان، ۱۳۹۰، ۱).

- در یک جامعه شهری، روابط اجتماعی و انسجام بخش شهروندان با سازمان‌های اجرایی مدیریت جامع شهری منجر به پایین آمدن سطح هزینه‌هایی می‌شود که مدیریت شهری برای شهر باید هزینه کند، در واقع این ارتباط موثر و اعتماد بین شهروندان و حوزه مدیریت شهری باعث خواهد شد که بخشی از هزینه‌ها صرف امور زیربنایی تر که باعث توسعه پایدار شهری از جمله سلامت پایدار گردد شود (فوکویاما، ۱۳۸۵، ۶).

- در فرایند اجرایی مدیریت شهری هرچه حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی مدیریت شهری با هر طبقه‌ای از شهروندان ارتباط اجتماعی قوی‌تر داشته باشد و شهروندان را با خطرات روحی، روانی و جسمانی آگاه کند باعث افزایش انسجام اجتماعی شهروندان در حفظ سلامتی و افزایش اعتماد شهروندان نسبت به مدیریت شهری خواهد

### نتیجه‌گیری:

شد (شربتیان، ۱۳۹۰، ۵).  
- بدون تردید سیاستگذاری و مدیریت شهرها بدون مشارکت مردم و حضور فعال آنها ممکن نمی‌باشد، حضور فعال مردم در مدیریت شهری در قالب سازمان‌ها تجلی می‌یابد. نهادهای منتخب مردم یکی از شیوه‌های حضور آنان در صحنه می‌باشد و شوراهای شهر از نهادهایی است که زمینه شرکت فعال مردم در مدیریت شهری را فراهم می‌کند و این سازمان‌های مردمی نقش هماهنگ کننده میان دولت مرکزی، مردم و سازمان‌های محلی را ایفا می‌کند. نبود شوراهای شهری بعنوان نماد برجسته سرمایه اجتماعی موجب می‌شود وقت مسئولان صرف حل مشکلاتی شود که به آنها ربطی ندارد و در واقع باعث کاهش کارایی آنها در امور و وظایف اصلی‌شان می‌شود (رضویان، ۱۳۸۱، ۸۲ و ۸۱). گسترش این سازمان‌های محلی و مردمی از یک سو موجب افزایش تمایل مردم به مشارکت در انجام امور مختلف شهری و بالا رفتن مسئولیت‌پذیری می‌شود و از طرف دیگر موجب به کارگیری دانش مردم که نیازها و مشکلات خود را بهتر می‌شناسند، شود.

- مشارکت مردم و بخش خصوصی در اجرای طرح‌های توسعه از عمده‌ترین عوامل موثر در موفقیت طرح‌های توسعه شهری می‌باشد. به تجربه ثابت شده است که هیچ طرحی در اجرا، موفقیتی کسب نخواهد کرد، مگر اینکه از مشارکت مردم بهره‌مند باشد. امروز مفهوم برنامه‌ریزی برای مردم، به مفهوم برنامه‌ریزی با مردم تبدیل شده است. چرا که با دخالت مردم در انجام طرح‌ها از یک سو مردم در سود و زیان طرح‌ها شریک می‌شوند و همین عاملی برای بالا رفتن تعهد و مسئولیت‌پذیری در افراد می‌شود و از سوی دیگر افزایش مشارکت مردم، دستگاه‌های عریض و طویل دولت که بخش عمده درآمدها را به خود اختصاص داده، را محدود کند و با واگذاری مسئولیت‌ها به مردم امکان رشد و تحول آنها را فراهم می‌کند (مهندسین مشاور شارمند، ۱۳۸۷، ۹۰).

سرمایه اجتماعی، مفهوم نوینی است که امروزه در بررسی‌های اقتصادی و اجتماعی جوامع مدرن مطرح گردیده است. طرح این رویکرد در بسیاری از مباحث اقتصادی (علاوه بر حوزه‌های فرهنگی-اجتماعی)، نشان دهنده اهمیت نقش ساختارها و روابط اجتماعی بر متغیرهای اقتصادی و توسعه جامعه است. سرمایه اجتماعی عمدتاً مبتنی بر عوامل فرهنگی و اجتماعی بوده و شناسایی آن به عنوان یک نوع سرمایه چه در سطح مدیریت کلان توسعه کشورها و چه در سطح مدیریت شهرها و سازمان‌ها، می‌تواند شناخت جدیدی را از نظام‌های اقتصادی-اجتماعی ایجاد کرده و مدیران را در هدایت بهتر کلان شهرها یاری کند. از سرمایه اجتماعی تعاریف مختلفی ارائه گردیده است. یکی از تعاریف مطرح این است که سرمایه اجتماعی مجموعه هنجارهای موجود در نظام‌های اجتماعی است که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه گردیده و موجب پایین آمدن سطح هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌گردد.

## پیشنهادات:

- جلب مشارکت همگانی در اداره و اجرا امور از طریق آموزش و تشویق مردم.
- اجرای تحقیقات مشارکتی با همکاری سازمانهای مربوط به امور شهری و منطقه ای.
- تقویت آگاهی عامه در مورد مسائل مربوط به جامه مورد نظر و همچنین بالا بردن سطح آگاهی گروه های کلیدی و تصمیم گیرنده جامعه.
- تأسیس شبکه های اطلاعاتی در سطح ملی و منطقه‌های جهت حصول اطمینان از اینکه اطلاعات مربوط به طور وسیع اشاعه و توسعه یابد.

## منابع:

۱. کردی، عبدالرضا(۱۳۸۵)، حقوق شهری و شهرسازی، انتشارات مجد تهران.
۲. تقوایی، مسعود و همکاران(۱۳۸۸)، تحلیلی بر سنجش عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری(نمونه موردی: منطقه ۴ تبریز)، مجله پژوهشهای شهری و روستایی، سال اول، شماره دوم.
۳. فیض آبادی، حوریه(۱۳۸۸)، نقش سرمایه اجتماعی در عملکرد بهینه شوراها، ماهنامه آموزشی پژوهشی شورا، شماره ۴۲
۴. لطیفی، غلامرضا و عظیمی، میترا(۱۳۸۹)، سرمایه اجتماعی و نقش آن در برنامه ریزی و مدیریت شهری، مجله علوم اجتماعی، شماره ۳۲.
۵. سازمان اجرایی شهرداریها(۱۳۸۲)، مطالعات راهبردی - تطبیقی شهرهای جهان و تهران، انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
۶. دانشنامه مدیریت شهری و روستایی(۱۳۸۸)، جلد سوم، انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاریها
۷. غفاری، غلامرضا و رضانی، حسین(۱۳۸۸)، سرمایه اجتماعی، انتشارات کویر.
۸. تاج بخش، کیان و همکاران(۱۳۸۹)، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، نشر شیرازه.
۹. کلمن، جیمز، ترجمه: صبوری، منوچهر(۱۳۷۷)، بنیاد نظریه های اجتماعی، نشر نی.
۱۰. نقدی، اسدا... و همکاران، (۱۳۸۹)، سرمایه اجتماعی و نقش آن در فعالیتهای اقتصادی با نگاهی به استان همدان، جامعه شناسی کاربردی، شماره ۴۰.
۱۱. زاهدی، محمد جواد و همکاران(۱۳۸۵)، فقر و سرمایه اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۷، شماره ۲۸.
۱۲. دادش پور، هاشم(۱۳۸۰)، مدیریت شهری، اهداف و راهبردها، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۲۰.
۱۳. دانشنامه مدیریت شهری و روستایی(۱۳۸۸)، جلد سوم، انتشارات سازمان شهرداریها و دهیاریها.
۱۴. علوی، سید بابک(۱۳۸۰)، نقش سرمایه اجتماعی در توسعه، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۱۶.
۱۵. گروسی، سعیده و نقوی، علی(۱۳۸۰)، سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در شهر کرمان، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هشتم، شماره ۳۰ و ۳۱.
۱۶. شربتیان، محمد حسن(۱۳۸۸)، نظارت همگانی و سرمایه اجتماعی در مدیریت شهری، سایت انسان شناسی.
۱۷. رضویان، محمد تقی(۱۳۸۱)، مدیریت عمران شهری، انتشارات پیوند نو.
۱۸. مهندسین مشاور شارمند(۱۳۷۸)، شیوه های تحقق طرح های توسعه، وزارت کشور، جلد دوم

19. Coleman, James. 1988, social capital in the creation of Human capital, American journal of sociology. P:90-120.

20. Fukuyama, F. (1995) Trust: The Social Virtues and Certain of Prosperity, Hamish

21. Putnam, R. D. (1996) Who Killed Civic America? Prospect, 7, 24, 56-72.